

## آینه

شبی به آینه گفتم ،  
حدیث سینه ی محزون  
چنان گریست به حالم ،  
که گشت آینه پر خون !

درون اشک پر از خون پاک آینه دیدم ،  
ترا ،  
که می خندی ،  
به عهد بسته ی لیلا و  
صبر بی حد مجنون !

رضا شاپوریان

دو شنبه چهارم اکتبر ۱۹۹۸